

تحلیل موقعیت به مثابه روشی برای پژوهش در خصوص شهر اسلامی*

احسان بابائی سالانقوج^۱، محمد مسعود^{۲*}، بهادر زمانی^۳، کامران ربیعی^۴^۱ دانشجوی دکتری شهرسازی اسلامی، دانشگاه هنر اصفهان^۲ دانشیار، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان^۳ استادیار، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان^۴ استادیار، گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

(تاریخ دریافت: ۹۵/۱۱/۲۵)

(تاریخ پذیرش: ۹۶/۰۴/۱۸)

چکیده

یکی از مسائل موجود در مطالعه شهر و شهرسازی اسلامی، عدم توجه کافی به روش‌شناسی‌های منسجم و متناسب با ویژگی‌های این عرصه است. در این زمینه، استفاده از روش‌های کیفی همراه با بررسی تقادانه امکانات و توانمندی‌های آن‌ها برای تدوین نظریه‌های منسجم و کاربردی برای ارتقای شهرسازی اسلامی راه‌گشاست. از جمله این روش‌ها، روش نظریه زمینه‌ای است که به صورت فزاینده مورد توجه پژوهشگران رشته‌های مختلف و از جمله نظام‌های علمی مرتبط با محیط انسان‌ساخت قرار گرفته است. یکی از نسخه‌ها و خوانش‌های متعدد نظریه زمینه‌ای، تحلیل موقعیت است. مقاله حاضر در پی آن است تا با بهره‌گیری از این روش در نمونه‌ای از مطالعات تعریف شده ذیل عنوان شهرسازی اسلامی و ضمن بررسی ماهیت، ویژگی‌ها و مؤلفه‌ها شهر اسلامی، امکانات و توانمندی‌های تحلیل موقعیت در این عرصه را مورد بررسی قرار دهد. بر این اساس پاسخ‌گویی به دو سؤال مورد نظر است: خصوصیات، امکانات و ابزارهای پیشنهادی تحلیل موقعیت تا چه اندازه با ماهیت پژوهش در شهر و شهرسازی اسلامی هماهنگ است؟ چه ویژگی‌ها و مؤلفه‌هایی برای شهر اسلامی در اسناد، متون، قواعد و گفتمان‌های مرتبط برشمرده شده است؟ این مطالعه با بهره‌گیری از داده‌های موجود در متون فارسی در خصوص شهر اسلامی و با بررسی مؤلفه‌های انسانی و غیر انسانی، عاملان فردی و جمعی، سازمان‌ها، ساخت‌های گفتمانی و مؤلفه‌های فضایی، زمانی، اقتصادی، سیاسی و نمادین در این موقعیت، سعی در به دست دادن تصویری روشن از این انگاره دارد. برای این منظور نقشه‌های موقعیت، عرصه‌ها/جهان‌های اجتماعی و وضعیت به عنوان قلب روش تحلیل موقعیت تولید و ارائه شده است. روش تحلیل موقعیت با لحاظ پیچیدگی‌ها، مؤلفه‌ها و کنشگران گوناگون، توجه به رویکردهای جدید و عاملین نا پیدا و خاموش، و با توجه به موقعیت به عنوان واحد تحلیل می‌تواند مسیری جدید برای پژوهش در شهرسازی اسلامی در اختیار قرار دهد. بخش دیگر نتایج متوجه پرسش دوم پژوهش است. در این خصوص با توجه به نقشه‌های ترسیم شده و تحلیل‌های مربوطه می‌توان گفت شهر اسلامی انگاره‌ای چندبعدی و پیچیده است که عاملان، ساخت‌های گفتمانی، مؤلفه‌های فضایی، زمانی، نمادین و اجتماعی مختلفی در ساخت و تعیین ویژگی‌های آن نقش دارند. هرگونه کاربست این مفهوم در پژوهش‌های مربوطه باید با توجه به این پیچیدگی‌ها و عدم قطعیت‌ها همراه باشد و رویکردهای مختلف، وضعیت‌های گوناگون، شرایط متنوع، و تگرش‌های متفاوت را مورد توجه قرار دهد.

واژگان کلیدی: تحلیل موقعیت، روش تحقیق، روش‌شناسی، شهر اسلامی، شهرسازی اسلامی.

* این مقاله مستخرج از رساله دکتری احسان بابایی سالانقوج با عنوان «تبیین مؤلفه‌های شکل شهر خوب در فرهنگ ایرانی-اسلامی» به راهنمایی دکتر محمد مسعود و مشاوره دکتر بهادر زمانی و دکتر کامران ربیعی در دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان در حال انجام است.

** E-Mail: m.masoud@aui.ac.ir

مقدمه

شهر اسلامی از مهم‌ترین مفاهیم مرتبط با طراحی و برنامه‌ریزی شهری متناسب با ارزش‌ها، اصول و فرهنگ اسلامی است که تأثیر بسیاری بر مطالعات این عرصه داشته است. عرصه‌ای که در گسترده‌ترین مفهوم می‌توان آن را شهرسازی اسلامی نامید. با این همه هنوز تبیینی از ماهیت، ویژگی‌ها و مؤلفه‌های شهر اسلامی ارائه نشده که بر روی آن توافقی فراگیر وجود داشته باشد. عباراتی مانند این جمله که «تاکنون تعریف جامع و مانعی از شهر اسلامی و خصوصیات آن ارائه نشده است و متفکران و صاحب‌نظران در ارائه تعریفی مقتضی از این پدیده باز مانده‌اند» (موحد، شماعی و زنگانه، ۱۳۹۱: ۳۱) به کرات در پژوهش‌ها و مطالعات مربوطه مشاهده می‌شود. بخشی از این مسأله به خواستگاه و چگونگی شکل‌گیری این انگاره و ویژگی‌هایی بازمی‌گردد که از ابتدا به آن منسوب شده است.

بر این اساس انگاره «شهر اسلامی»، آن‌چنان که عمدتاً توسط پژوهشگران و محققان عموماً غربی تعریف و توصیف شده مورد نقدها و انتقادهای مختلفی قرار گرفته است؛ از جمله این که: مدل ارائه شده به عنوان شهر اسلامی در پی معرفی سکونت‌گاه‌های مسلمانان به عنوان موجودیتی ایستا و فاقد سازمان اجتماعی است؛ صرفاً دوره پیشامدرن، آن هم ذیل مناطق جغرافیایی خاص و اعصار تاریخی متفاوت و گاه بی‌ارتباط با یکدیگر را در نظر داشته است؛ نسبت به شهر معاصر یا بدون نظر است و یا اصولاً ایجاد شهر اسلامی را در دوره معاصر ناممکن دانسته و نسبت به آن سکونت اختیار کرده است؛ بر پایه دیدگاه‌های پژوهشگران از چند رشته خاص و مبنی بر تعمیم‌های عمدتاً فاقد استدلال منطقی، «شهر اسلامی» را به مجموعه‌ای از چند عنصر خاص تقلیل داده است؛ و به ارائه تصویری همگون و همسان از شهر در قلمرو وسیع جغرافیایی و دامنه زمانی گسترده حضور و بسط اسلام پرداخته است.

می‌توان فقدان و عدم بهره‌گیری از یک روش مناسب را یکی از مشکلات اصلی در مطالعه شهر اسلامی و تبیین مؤلفه‌ها و ویژگی‌های آن برشمرد. روشی که قادر باشد ورای صدهای غالب و متداول در این عرصه رفته و به دلیل دامنه وسیع زمانی و مکانی تحت پوشش حکومت، تمدن و یا فرهنگ اسلامی، در پی یکسان‌سازی و ارائه تصویری یگانه از شهر اسلامی نباشد و علاوه بر آن بتواند گفتمان‌های مختلف موجود در این زمینه را تحت پوشش قرار دهد.

پژوهش کیفی، عرصه‌ای است که به دلیل ماهیت انضمامی آن^۱ توانایی خدمت به عنوان زمینه‌ای تسهیل‌گر را در این مورد دارد. به طور کلی، پژوهش کیفی پیوسته با تمرکز بر داده‌ها و توجه به عقاید و دیدگاه‌های افراد و گروه‌هایی که به طور معمول حاشیه‌ای تلقی می‌شده‌اند، زندگی و شیوه بودن و تفکر آن‌ها

را آشکار می‌نماید. پژوهش کیفی، تفکرات و فلسفه‌هایی را که در پی توجه به تنوع و دیدگاه‌های مختلف هستند پذیرفته و تسهیل می‌نماید (Perez and Cannella, 2013). با این حال، به رغم امکاناتی که پژوهش کیفی و روش‌شناسی‌های مبتنی بر آن در اختیار پژوهشگران قرار داده‌اند، جستجو برای چشم‌اندازها و روش‌هایی که فرصت‌ها و توانایی‌های بیش‌تری را در این عرصه در اختیار قرار دهند ادامه دارد. یکی از این چشم‌اندازها تحلیل موقعیت است که به عنوان خوانشی از نظریه زمینه‌ای، به وسیله کلارک (Clarke, Fries and Wash-; 2007; 2006; 2005; 2003) و (burn, 2015; Clarke and Fries, 2007) ارائه شده است.

نوشتار حاضر در پی آن است تا با استفاده از روش تحلیل موقعیت به بررسی و تبیین ویژگی‌ها و مؤلفه‌های شهر اسلامی بپردازد. علاوه بر آن مقاله می‌کوشد تا امکاناتی را که این روش در پیشبرد مطالعات این عرصه و در ارائه تصویری روشن‌تر از شهر اسلامی و پاسخ به کمبودهای پیشین در اختیار قرار می‌دهد، مورد بررسی قرار دهد و بدین ترتیب می‌توان آن را گامی مقدماتی در ارائه یک روش‌شناسی مناسب برای بهره‌گیری در مطالعات شهرسازی اسلامی محسوب نمود. پرسش‌های پژوهش حاضر عبارت است از: خصوصیات، امکانات و ابزارهای پیشنهادی تحلیل موقعیت تا چه اندازه با ماهیت پژوهش در شهر و شهرسازی اسلامی هماهنگ است و آیا می‌توان از تحلیل موقعیت برای پژوهش در خصوص شهر و شهرسازی اسلامی استفاده کرد؟ چه ویژگی‌ها و مؤلفه‌هایی برای شهر اسلامی در اسناد، متون، قواعد و گفتمان‌های مرتبط برشمرده شده است؟

روش تحقیق

از نظریه زمینه‌ای تا تحلیل موقعیت

«نظریه زمینه‌ای روشی است که به دنبال ساخت نظریه در مورد موضوعات حائز اهمیت در زندگی مردم است. این کار به وسیله یک فرایند گردآوری داده‌ها انجام می‌شود که اغلب دارای ماهیت استقرایی است، از آن روی که هیچ ایده از پیش تعیین شده‌ای برای تایید یا ابطال ندارد. در عوض، موضوعات مهم برای مشارکت‌کنندگان در پژوهش از خلال داستان‌هایی که درباره قلمرو مورد نظر - که همان حوزه مورد مطالعه پژوهشگر است - ظهور می‌یابند» (Mills, Bonner & Francis, 2006, 2-3). نظریه زمینه‌ای در طول زمان شاهد استحاله و تغییرات گوناگونی بوده است و رویکردهای گوناگونی به آن شکل گرفته و خوانش‌های متفاوتی از آن ارائه شده است. رویکردهای مختلف به نظریه زمینه‌ای را حداقل در هفت نگرش می‌توان دسته‌بندی کرد: رویکرد کلاسیک گلیزر (Glaser, 1992; 1998; 2001; 2007)؛ رویکرد سیستماتیک اشتراس و کوربین (Strauss & Corbin 1990; 1998; Strauss, 1993)؛ رویکرد بر ساخت‌گرایی چارماز (Charmaz, 2000; 20006)؛ رویکرد تحلیل

بر زمینه و انضمامی بودن^۶ تأکیدی ندارد. گرچه ماتریس شرطی/ پیامدی پیشنهاد شده به وسیله اشتراوس و کوربین (۱۳۹۲) کوشیده تا این نقیصه را بپوشانند، اما بسیاری از محققان این ماتریس‌ها را ناکافی دانسته‌اند (برای مثال Hall, 1997). تحلیل موقعیت‌نگاهی عمیق‌تر به بستر پژوهش داشته و موضوع مورد پژوهش را به عنوان یک موقعیت مملو از عواملان، کارگزاران و گفتمان‌های مختلف مورد توجه قرار می‌دهد.

ریشه اصلی تحلیل موقعیت در مردم‌نگاری مکتب شیکاگو و فلسفه عمل باوری قرار گرفته است. افزون بر آن این رویکرد ریشه‌های جدیدتری نیز دارد؛ شامل مطالعات گفتمان فوکویی که برای «فاعل شناسا» حرکت می‌نماید؛ یعنی توجه خاص و در نظر گرفتن آشکار عواملان غیرانسانی؛ و تحلیل کنشگران و عواملان ضمنی دخیل. کنار هم ننسستن این موارد باعث گذار به موقعیت به عنوان مرکز ثقل تحلیل و تلقی آن به مثابه واحد تحلیلی شده است.

موقعیت به عنوان واحد تحلیل

موقعیت یکی از کلیدی‌ترین مفاهیم در تحلیل موقعیت است. پیش فرض اصلی در اینجا این است که تمامی مؤلفه‌های حاضر در موقعیت، به گونه‌ای سایر مؤلفه‌ها را می‌سازد و تحت تأثیر قرار می‌دهد. تمامی چیزهایی را که در موقعیت حضور فیزیکی دارند یا حضورشان به نحوی درک می‌شود، احتمالات مرتبط با تفسیر و عمل «مشروط می‌کنند». افراد و چیزها، مؤلفه‌های انسانی و غیرانسانی، عرصه‌های عمل، گفتمان‌ها، شکل‌گیری‌ها یا رژیم‌های نظم‌دهنده و سایر رژیم‌ها، نمادها، فناوری‌ها، ستیزه‌ها، سازمان‌ها و نهادها، همه و همه می‌توانند در موقعیت حضور داشته و بر یکدیگر تأثیر بگذارند. کلارک در پاسخ به این پرسش که موقعیت چیست، از کجا شروع می‌شود و در کجا خاتمه می‌یابد بیان می‌کند: «من به دنبال مفهومی به جای «بستر»^۷ بودم. مفهومی که در آن مؤلفه‌ها، خارج از پدیده مورد بررسی تصور نشوند بلکه بخشی از آن به شمار آیند... چگونگی چارچوب‌بندی پروژه توسط پژوهشگر، موقعیت مورد مطالعه، داده‌هایی که باید گردآوری شوند و تحلیل را چارچوب‌بندی می‌کند... می‌توان بر یک موقعیت کوچک یا بر موقعیتی بزرگ‌تر متمرکز شد.» (Clarke & Keller, 2014: 19).

نقشه‌ای کردن به مثابه ابزار تحلیل

هر موقعیت به لحاظ تجربی به وسیله تولید سه نوع نقشه و متعاقب آن به وسیله کارهای تحلیلی مختلف و نگارش یادداشت‌های تحلیلی مورد بررسی قرار می‌گیرد (Clarke, 2015) که عبارتند از:

الف) نقشه‌های موقعیت^۸ که مؤلفه‌های انسانی، غیرانسانی، گفتمانی و سایر مؤلفه‌های حاضر در موقعیت مورد بررسی را طرح می‌کند و تحلیل ارتباطات میان آن‌ها را برمی‌انگیزد.

موقعیت کلارک (Clarke, 2005; 2007; 2015)؛ رویکرد تحلیل ابعاد شاتزمن (Schatzman, 1991)؛ رویکرد نظریه زمینه‌ای مطلع از تورنبرگ (Thornberg, 2012)؛ و رویکرد نظریه زمینه‌ای چندگانه گولدکول و گرون‌هولم (Goldkuhl & Cronholm, 2010).

تحلیل موقعیت در شکل کامل آن در سال ۲۰۰۵ به وسیله ادل کلارک در کتاب «تحلیل موقعیت؛ نظریه زمینه‌ای پس از چرخش پسامدرن»^۹ ارائه شد. وی در آثار بعدی خود به بسط و توسعه این رویکرد پرداخت (از جمله Clarke, 2007; 2009; 2010; 2015). کلارک در پی آن است تا با رویکردی جدید به تحلیل، در داخل چارچوب نظریه زمینه‌ای، آن را به صورتی کامل‌تر به طرف چرخش پسامدرن سوق دهد.

تحلیل موقعیت به رغم اینکه ریشه در نظریه زمینه‌ای دارد، تمایزات بنیادینی با این روش دارد از جمله:

نظریه زمینه‌ای متعارف در پی چارچوب‌بندی عمل است، این ویژگی در زیرساخت مفهومی آن یعنی «فرایند اجتماعی پایه» آشکار است. این امر در تحلیل موقعیت با مفهوم موقعیت-محور^{۱۰} «جهان‌های اجتماعی، عرصه‌ها و یا مذاکرات» جایگزین شده است. نظریه زمینه‌ای متعارف به رغم گفته مشهور اشتراوس مبنی بر این که «داده همه چیز است» و با وجود تأکید بر نقش داده‌های مستخرج از پژوهش‌های میدانی، اسناد و مدارک، مصاحبه مشارکتی و... عمدتاً بر مصاحبه‌های باز متمرکز است و روش مشخص و متمایز برای تحلیل اسناد و متون ارائه نمی‌دهد. تحلیل موقعیت می‌تواند در مجموعه وسیعی از پروژه‌های انجام شده به وسیله مصاحبه، مردم‌نگاری، و نیز پژوهش‌های مبتنی بر داده‌های تاریخی، بصری و یا سایر مواد گفتمانی شامل پژوهش چندسایتی استفاده شود. تحلیل موقعیت به پژوهشگر این امکان را می‌دهد که مطالعه‌های گفتمان و عاملیت، عمل و ساختار، ایماژ، متن^۴ و زمینه^۵، تاریخ و زمان حال را - برای تحلیل موقعیت‌های پیچیده که به صورت گسترده‌ای به ادراک می‌آیند - یکپارچه نماید. نظریه زمینه‌ای متعارف در پی آسان‌سازی و همگون‌سازی است، اما تحلیل موقعیت بر گوناگونی‌ها و یا تفاوت‌ها تأکید دارد و در پی آن است تا بتواند دیدگاه‌هایی را که پیش از این حاشیه‌ای تلقی می‌شدند، روشن نماید. همچنین نظریه زمینه‌ای متعارف بر مؤلفه‌های انسانی متمرکز است، اما تحلیل موقعیت علاوه بر توجه به عواملان و کنشگران غیر انسانی، کنشگران و یا عواملان ضمنی دخیل را نیز مورد توجه قرار می‌دهد و بدین وسیله عواملان ضعیف‌تر و پیامدهای اقدامات دیگران بر آن‌ها را بررسی می‌کند و موضوعات مرتبط با ساخت‌های گفتمانی عواملان و کنشگران غیرانسانی را مورد مذاقه قرار می‌دهد. نظریه زمینه‌ای متعارف در پی ارائه نظریه‌های قائم‌به‌ذات و رسمی به عنوان هدف نهایی است، اما تحلیل موقعیت به پژوهش به مثابه یک فرایند مداوم و در حال پیشرفت می‌نگرد. علاوه بر این که نظریه زمینه‌ای متعارف

ارائه یافته‌های پژوهش (هم در قالب مکتوبات از جمله کتاب و مقاله و هم در خصوص ارائه‌های شفاهی) در اختیار پژوهشگر قرار می‌دهد. اگرچه استفاده از یادداشت‌های تحلیلی در مراحل مختلف امکان ارائه متنی را فراهم می‌سازد، اما نقطه قوت این روش به طور خاص بهره‌گیری از ارائه بصری در خلال تحلیل است. این ویژگی ضمن به تصویر کشیدن پیچیدگی‌ها، گوناگونی‌ها و ناهمگنی‌ها در موقعیت‌های مختلف، ابزاری برای یادآوری و به خاطر سپردن مؤلفه‌ها و عاملان مختلف به دست می‌دهد تا بتوان در ادامه - هرگاه که نیاز بود - برای تعریف داستان مورد نظر به آن‌ها رجوع کرد. مقایسه تحلیل موقعیت با سایر روش‌های کیفی می‌تواند تصویری روشن‌تر از ویژگی‌ها و خصوصیات این روش به دست دهد. بر این اساس در جدول زیر به مقایسه تطبیقی برخی از مهم‌ترین ویژگی‌های تحلیل موقعیت با پدیدارشناسی، تحلیل گفتمان و نظریه زمینه‌ای متعارف پرداخته شده است.

مقاله حاضر در ادامه می‌کوشد تا با استفاده از اسناد و متون و

نقشه‌های عرصه‌ها و جهان‌های اجتماعی^۹ که عاملان جمعی و عرصه‌(های) تعهد و گفتمانی را که این عاملان در مذاکرات مداوم جاری در آن‌ها مشارکت دارند طرح می‌کند؛ یعنی تفسیر موقعیت در سطح میانه.

ج) نقشه‌های وضعیت^{۱۰}، که وضعیت‌های اصلی اتخاذ شده و اتخاذ نشده را در داده‌ها مورد بررسی قرار می‌دهد. این وضعیت‌ها حول محورهای مختلفی از تفاوت‌ها، کشمکش‌ها و دغدغه‌های موجود پیرامون موضوعات مختلف سازمان‌دهی می‌شوند.

هر سه نوع نقشه اعمال تحلیلی هستند که راهی بدیع پیش روی داده‌ها می‌گشایند. این نقشه‌ها برای مطالعات مختلف از پژوهش‌های مبتنی بر مصاحبه تا پروژه‌های پژوهشی چندسایتی مناسب هستند. تحلیل موقعیت می‌تواند عمیقاً پروژه‌های پژوهشی را از دید فردی، جمعی، سازمانی نهادی، زمانی، جغرافیایی، مادی، گفتمانی، فرهنگی، نهادی، بصری و تاریخی موقع‌مند نمایند. استفاده از تحلیل موقعیت امکانات حائز اهمیت‌تری را برای

جدول شماره ۱: مقایسه ویژگی‌های تحلیل موقعیت با پدیدارشناسی، تحلیل گفتمان و نظریه زمینه‌ای متعارف

تحلیل موقعیت	نظریه زمینه‌ای متعارف	تحلیل گفتمان	پدیدارشناسی	
جدایی ناپذیری جنبه‌های هستی‌شناسانه و معرفت‌شناسانه؛ آنچه می‌تواند شناخته شود و چگونگی شناخت آن غیرقابل تفکیک هستند.	نظریه با بررسی مفهوم‌هایی که در داده‌ها بنیاد دارند کشف می‌شود.	دانش و معنا به واسطه تعامل با گفتمان‌های متعدد خلق می‌شود.	یک واقعیت درک شده در جهان خارج وجود دارد که دارای ویژگی‌های مشترکی است.	فلسفه
داستان بزرگ و خبر بزرگ در خصوص موقعیت و موضوع مورد بررسی را صورت‌بندی می‌نماید.	یک نظریه توضیحی در خصوص فرایند اجتماعی پایه به دست می‌دهد.	در پی درک این مسأله است که مردم چگونه از زبان برای خلق و ارائه هویت‌ها و فعالیت‌ها استفاده می‌نمایند.	معنای تجارب زیسته هر پدیده را توصیف می‌نماید.	هدف
«این پروژه در کجای جهان قرار دارد؟ چرا مهم است؟ در این موقعیت چه خبر است؟»	«فرایند اجتماعی پایه چگونه در بستر مورد نظر رخ می‌دهد؟»	«گفتمان‌ها چگونه استفاده می‌شوند و چگونه از زبان برای خلق و ارائه هویت‌ها و فعالیت‌ها استفاده می‌نمایند؟»	«تجربه زیسته (پدیده مورد بررسی) کدام است؟»	روش‌شناسی (صورت‌بندی پرسش تحقیق)
از تمامی عاملان، کنشگران، گفتمان‌ها و مؤلفه‌های انسانی و غیرانسانی دخیل در موقعیت شامل مؤلفه‌های ضمنی دخیل.	از کسانی که پدیده مورد بررسی را در شرایط گوناگون تجربه کرده‌اند.	از آنهایی که در یک یا بیش از یکی از گفتمان‌های مورد نظر حضور داشته و درگیرند.	از کسانی که پدیده مورد نظر را تجربه کرده‌اند.	نمونه‌گیری
نقشه موقعیت (نسخه‌های منظم و ساخت‌نیافته)؛ نقشه رابطه؛ نقشه عرصه‌ها / جهان‌های اجتماعی؛ نقشه وضعیت.	کدگذاری باز، محوری و گزینشی: بررسی مفهوم‌ها در راستای ویژگی‌ها و ابعادشان؛ توسعه یک چارچوب مفهومی که مفهوم‌ها را حول یک مقوله هسته یکپارچه نماید.	بررسی می‌شود که چگونه با نگاه دقیق به واژگان می‌توان به درک نائل شد. توجه به اینکه داستان چگونه تعریف می‌شود و کدام هویت‌ها، فعالیت‌ها، ارتباطات و معانی مشترک به وسیله زبان خلق می‌شود.	شناسایی توصیف‌های مربوط به پدیده؛ خوشه‌بندی آنها ذیل مقوله‌های مجزا؛ این مقوله‌ها همراه با هم «ماهیت» یا هسته مشترک و ساختار تجربه را توصیف می‌نمایند.	روش‌های تحلیل
دیدگاه‌های پژوهشگر به طور شفاف بیان می‌شود و یکی از منابع اصلی برای ترسیم نقشه‌های مختلف و تحلیلی است.	پژوهشگر دیدگاه‌های خود را در پرانتز می‌گذارد.	پژوهشگر جایگاه خود را در گفتمان (ها) مورد بررسی قرار می‌دهد.	پژوهشگر دیدگاه‌های خود را در پرانتز می‌گذارد (Bracket View).	نقش دیدگاه‌های تحلیل‌گر
خلق نظریه بر اساس درکی جدید از موقعیت در گسترده‌ترین حالت آن.	خلق نظریه بر مبنای دامنه‌ای از تجارب مشارکت‌کنندگان.	توصیف زبان مورد استفاده؛ شناخت این مسأله که گفتمان‌های مختلف چگونه هویت‌ها، ارتباطات و کالاهای اجتماعی را شکل می‌دهند.	تفسیری موضوعی از «ماهیت» و ساختار تجربه زیسته.	محصول

و گفتمان‌های مرتبط با شهر اسلامی به گزاره‌هایی در خصوص ویژگی‌ها و مؤلفه‌های شهر اسلامی منتهی می‌شود که همراه با هم تصویری روشن‌تر از این انگاره به دست می‌دهند. ادامه مقاله به این موضوع و به طور خاص ترسیم نقشه‌های موقعیت، عرصه‌ها/جهان‌های اجتماعی و وضعیت اختصاص دارد. باید توجه داشت تشریح تمامی مؤلفه‌های حاضر در هر نقشه در حجم یک مقاله ممکن نیست، با این حال در هر مورد کوشش شده به عنوان نمونه یکی از مؤلفه‌ها مورد مذاقه قرار بگیرد.

نسخه ساخت نیافته^{۱۱} نقشه‌های موقعیت

این نقشه شامل تمامی مؤلفه‌های انسانی، غیر انسانی، مادی و نمادین/گفتمانی مربوط به یک موقعیت خاص است، به گونه‌ای که توسط افراد درون موقعیت و توسط پژوهشگر چارچوب‌بندی شده‌اند. برای ترسیم نقشه ساخت نیافته از موقعیت کافی است پژوهشگر به سادگی تمامی مؤلفه‌های موجود در موقعیت مورد بررسی خود را بر روی برگه‌ای بنویسد. این دقیقاً چیزی است که نقشه موقعیت باید باشد، بنابراین پژوهشگر نباید خود را محدود و ملزم به ارائه فهرستی سازمان‌یافته نماید. مفیدترین حالت این نقشه‌ها زمانی به دست می‌آیند که محقق آزادانه و به صورتی وسیع در خصوص پژوهش بیندیشد و تمامی مؤلفه‌هایی را که بر اساس داده‌ها و بر اساس دانسته‌های پیشین به ذهنش خطور می‌کند، صرف نظر از این که چقدر حاشیه‌ای به نظر می‌آیند، یادداشت نماید (Clarke, 2015). به عنوان مثالی از پژوهش مرتبط با شهرسازی اسلامی، یک نقشه موقعیت ساخت نیافته ترسیم شده است (شکل شماره ۱) که به ماهیت، ویژگی‌ها و مؤلفه‌های شهر اسلامی می‌پردازد. همان طور که مشاهده می‌شود در این نقشه مؤلفه‌های گوناگونی حضور دارند.

به عنوان نمونه، یکی از مؤلفه‌های حاضر در این نقشه «شرق‌شناسی»^{۱۲} است، مفهومی که تأثیر بسیاری در پیدایش انگاره شهر اسلامی داشته و خصوصیات منسوب به آن تأثیر به سزایی بر درک و دریافت از ویژگی‌های شهر اسلامی در ادبیات فارسی زبان داشته است. در این نوع نگرش، اعتقاد بر این است که هر پدیده موجود در مدنیت و شهرگرایی کشورهای مسلمان، نهایتاً توسط اسلام مشروط شده و مرتبط با اسلام است. این نگاه سبب پیدایش کلیشه‌ای از شهر اسلامی شد که به سبب عدم توجه به تنوع جغرافیایی، آب و هوایی، فرهنگ‌ها و مذاهب و ... در قلمرو گسترده اسلامی، از جامعیت بیش از حد و نامعقول رنج می‌برد. به عنوان نمونه‌ای از این تأثیر و هم سو با استدلال چپویتی و پیران^{۱۳} (۲۰۰۳) در معرفی استفاده از واژگان حقیقی مشارکت کنندگان به عنوان یکی از معیارهای افزایش دقت در نظریه زمینه‌ای (و به تبع آن تحلیل موقعیت)، در ادامه بخشی از یک مقاله ذکر می‌شود که در کدگذاری انجام شده به حضور مؤلفه شرق‌شناسی

گفتمان‌های مرتبط با شهر اسلامی در متون فارسی (شامل کتب، مقالات، طرح‌ها و قوانین شهری) ضمن تلاش برای ارائه تصویری جامع‌تر از این انگاره به معرفی روش تحلیل موقعیت و ارائه مثال‌هایی از کاربرد آن در شهرسازی اسلامی پردازد و امکانات این روش را در این عرصه بررسی نماید.

تبیین ویژگی‌ها و مؤلفه‌های شهر اسلامی با استفاده از روش تحلیل موقعیت

در نوشتار حاضر برای تشریح ویژگی‌ها و امکانات تحلیل موقعیت برای پژوهش در حوزه شهرسازی اسلامی و برای ارائه مثال‌هایی از نقشه‌های این روش (به عنوان قلب روش تحلیل موقعیت) به بررسی انگاره شهر اسلامی در متون فارسی پرداخته شده است. شهر اسلامی انگاره‌ای است که در اوایل قرن گذشته میلادی توسط پژوهشگران غربی و عمدتاً شرق‌شناسان ارائه شد. به رغم پیشینه توجه به شهر و طراحی و برنامه‌ریزی هماهنگ آن با اصول، ارزش‌ها و فرهنگ اسلامی، اصطلاحی تحت عنوان شهر اسلامی در متون فارسی از قدمتی معادل با هم‌تایان لاتین خود برخوردار نیست. شاید بتوان دلیل این امر را در این دانست که تلقی حرفه‌مندان و دست‌اندرکاران ساخت، توسعه و مدیریت شهر در قلمرو اسلامی از شهر، ناخودآگاه در خود مفهوم موجودیتی هماهنگ و مبتنی بر فرهنگ و ارزش‌های ساکنان مسلمان را مستتر داشته است و بر این اساس همانند پژوهشگران غربی نیازی به جعل و ایجاد واژه‌ای خاص که این شهر را بر اساس دین و مذهب از سایر سکونتگاه‌ها جدا کند احساس نمی‌شده است.

در دهه‌های اخیر و همزمان با توجه مجدد به طراحی، برنامه‌ریزی و مدیریت شهری هماهنگ با ارزش‌ها و فرهنگ اسلامی، پژوهشگران حرفه‌مندان و مدیران شهری، همانند سایر علوم و نظام‌های علمی، با نگاهی به غرب متوجه مفهومی به عنوان شهر اسلامی شدند و اغلب بدون توجه به پیشینه و ویژگی‌های این اصطلاح به کرات آن را در طرح‌ها، مقاله‌ها، کتاب‌ها و نشست‌ها به کار برده و از آن برای توصیف و تشریح ویژگی‌های شهرهای مختلف در ایران استفاده کرده‌اند؛ از آن جمله می‌توان به مواردی در خصوص تهران (رضوی پور، ذاکری و جباری ۱۳۹۱)، ری (موحد، شمعی و زنگانه ۱۳۹۲)، قم (مرصوص ۱۳۸۲)، یزد (شمعی ۱۳۸۹)، زنجان (غلامی، مشکینی و دوبران ۱۳۹۴)، سبزوار (سلطانی فرد، حاتمی‌نژاد، عباس‌زادگان و پوراحمد ۱۳۹۲)، خواف (بریمانی و شعاعی برآباد ۱۳۸۸) و شیراز (منصوری ۱۳۸۹) اشاره کرد. به طور همزمان برخی پژوهشگران نیز به نقد این انگاره پرداخته‌اند (برای مثال پوراحمد و موسوی ۱۳۸۹، فلاحت ۱۳۹۰، نقی‌زاده ۱۳۸۹، بابائی، مسعود و محمدی ۱۳۹۳) و کوشیده‌اند تا تصویری روشنی از ویژگی‌ها، ماهیت و خاستگاه آن‌چه شهر اسلامی نامیده شده ارائه دهند.

استفاده از تحلیل موقعیت و کاربرد آن برای تحلیل اسناد، متون

مطالعات شهرسازی اسلامی بهره برد. از سوی دیگر این نقشه‌ها به پژوهشگر کمک می‌کنند تا انتخاب کند که کدام داستان‌ها را می‌خواهد تعریف نماید بدون اینکه جنبه‌های مهم موقعیت را حذف کرده باشد. گرچه ممکن است تمامی جنبه‌های موقعیت به طور کامل مورد بررسی قرار نگیرند، اما همه ابعاد و مؤلفه‌های مختلف به صورت بصری به تصویر کشیده می‌شوند که بدین شکل هم امکان استفاده از آن‌ها در پژوهش‌های بعدی را مهیا می‌سازد و هم پیچیدگی‌های موقعیت مورد بررسی را نشان می‌دهد.

نسخه منظم^{۱۴} نقشه‌های موقعیت

این نقشه‌ها گفتمان‌ها و مؤلفه‌هایی را که پیش‌تر در نقشه ساخت‌نیافته ظهور یافته بودند، چارچوب‌بندی و سازماندهی می‌کند و به صورت منظم و دست‌بندی شده ارائه می‌دهد. کلارک (۲۰۰۵) برخی از مقوله‌هایی را پیشنهاد می‌کند که می‌توانند ساختار نقشه منظم را تشکیل بدهند. وی می‌نویسد: «من این مقوله‌ها را با تعمیمی، هم از کار خودم و هم از کار اشتراوس (۱۹۹۳: ۲۵۲) صورت‌بندی کرده‌ام. ... [شامل مؤلفه‌های] فضایی، زمانی، فناورانه، کار، احساسی، اخلاقی، زیبایی‌شناسی و مانند آن. از نظر من، این مؤلفه‌ها برای طرح مؤلفه‌های عمده در موقعیت‌های مختلف حائز اهمیت هستند» (Clarke, 2005: 89). در عین حال تأکید می‌کند که تنظیم نسخه منظم نقشه‌های موقعیت با این رویکرد که صرفاً پژوهشگر به دنبال پر کردن «جاهای خالی» ذیل مقوله‌هایی از پیش تعیین شده باشد نتیجه‌ای مصیبت‌بار خواهد داشت زیرا این کار روش تحلیل موقعیت را از استفاده از استقرا (ساختن گزاره‌های انتزاعی/مفهومی از داده‌های تجربی) و استفهام (رفت و برگشت میان داده‌های تجربی و گزاره‌های انتزاعی/مفهومی) منفک و به بهره‌گیری از قیاس (حرکت از گزاره‌های انتزاعی/مفهومی به موقعیت ملموس) ملتزم می‌نماید (Clarke, 2015: 103). بر مبنای داده‌های پژوهش حاضر، یک نمونه نقشه موقعیت منظم (شکل شماره ۲) ترسیم شده است. نقشه موقعیت منظم برای تبیین ماهیت، ویژگی‌ها و مؤلفه‌های شهر اسلامی، مؤلفه‌های انسانی، غیرانسانی، گفتمانی و نمادین مختلفی را در خود جای داده است. تدوین نقشه منظم از آن جا حائز اهمیت است که پاکیزگی و ساختار سازمان‌یافته این نقشه‌ها به پژوهشگر کمک می‌کند تا با نگاهی اجمالی به بازبینی و مرور موقعیت مورد بررسی در وسیع‌ترین شکل آن بپردازد. باید توجه داشت که این نقشه‌ها به‌رغم ظاهر ثابت خود، ایستا نیستند بلکه می‌توانند حامل سیالیت قابل توجهی باشند. از سوی دیگر

در تبیین مؤلفه‌های شهر اسلامی اشاره دارد. «آشکارا می‌توان دید که شرق‌شناسان شهر اسلامی را با مجموعه‌ای از ویژگی‌های منفی معرفی کرده‌اند؛ به واقع شهر بیش‌تر طبق آنچه ندارد توصیف شده است نه ویژگی‌هایی مثبتی که دارد. توصیف‌های شرق‌شناسان مبتنی بر معیارهای از پیش تعیین شده‌ای است که ریشه در زمینه فرهنگی-اجتماعی و نگرش غربی آن‌ها دارد؛ این امر منجر به پیش‌فرض قرار دادن اصولی به عنوان معیارهای شهر ایده‌آل و در نهایت حضور و غیاب این معیارها در شهرهای مورد مطالعه‌شان گردیده است» (فلاح، ۱۳۹۰، ۴۲). بدیهی است که حضور شرق‌شناسی (و هر مؤلفه دیگری) در این نقشه نه به معنای نگاه مثبت پژوهشگر به آن مؤلفه است و نه نگاه منفی وی را می‌رساند، بلکه تنها بر این مسأله تأکید دارد که بخشی از چیزی که رابرت پارک «داستان بزرگ یا خبر بزرگ» می‌نامد در این موقعیت توسط این مؤلفه تعریف می‌شود.

نسخه ساخت‌نیافته نقشه‌های موقعیت، مرور ادبیات و وضعیت‌های ساخته شده به وسیله گفتمان‌های غالب را امکان‌پذیر می‌نمایند تا بتوان در ادامه به بررسی دقیق‌تر آن‌ها پرداخت. علاوه بر آن، این نقشه‌ها استفاده از چشم‌اندازهای فلسفی و دیدگاه‌های شخصی پژوهشگر را تسهیل می‌کنند (Perez and Cannel- 2013: 510). قابلیت انعطاف‌پذیری تحلیل موقعیت به ویژه در قالب نسخه ساخت‌نیافته، به پژوهشگر این امکان را می‌دهد تا وضعیت‌های پنهان را آشکار نماید. بدین ترتیب می‌توان از آن به عنوان ابزاری برای نشان دادن پیچیدگی‌ها و عدم توافق‌ها در



شکل شماره ۱: نسخه ساخت‌نیافته نقشه موقعیت: مؤلفه‌ها، عاملان و گفتمان‌های دخیل در شهر اسلامی

نقشه‌های موقعیت به طور مستقیم برخلاف ساده‌سازی بیش از حد (به عنوان یکی از مشکلات و نقص‌ها در مطالعات شهر و شهرسازی اسلامی) جهت گرفته‌اند. این نقشه‌ها می‌توانند پیچیدگی و ناهمگنی موقعیت مورد بررسی را ارائه نمایند. بدین ترتیب پرهیز از همگون‌سازی و تأیید و تصدیق پیچیدگی و عدم قطعیت هدف اصلی این نقشه‌ها را تشکیل می‌دهند.

نقشه‌های عرصه‌ها/جهان‌های اجتماعی

کلارک یکی از نقاط قوت نظریه‌سازی زمینه‌ای پس از چرخش پسامدرن را در چارچوب تحلیلی سطح میانه^{۱۵} آن می‌داند و نقشه‌های عرصه‌ها/جهان‌های اجتماعی را به عنوان تجلی این امر در تحلیل موقعیت معرفی می‌نماید. از نظر وی «سطح میانه عبارت است از سطح عمل اجتماعی - نه به عنوان سطحی شامل توده‌ای از افراد، بلکه جایی که افراد به واسطه عمل متعهدانه خود به جهان‌های اجتماعی و مشارکت در فعالیت‌های آن جهان - که به طور هم‌زمان هم به وسیله گفت‌وگوها ساخته شده و هم گفت‌وگوها را خلق می‌نمایند، مکرراً به موجودیت‌هایی اجتماعی تبدیل می‌شوند» (Clarke, 2005: 110). تحلیل عرصه‌ها/جهان‌های اجتماعی با پایه‌هایی مستحکم در جهان‌های تجربی، به طور هم‌زمان هم عمل جمعی را به طور مستقیم و به صورت تجربی نشان می‌دهد و هم اعمال افراد را - خواه به عنوان افرادی منفرد و خواه به عنوان اعضای جهان‌های اجتماعی - آشکار می‌سازد. بدین ترتیب در این نقشه‌ها می‌توان جهان‌های اجتماعی، عرصه‌ها، رژیم‌های عمل، شکل‌گیری‌های اجتماعی و نیز گفت‌وگوهای تولیدشده و جاری در آن‌ها را دید. خود نقشه‌ها به سیالیت‌ها و اعمال موجود در ساختارها و عاملیت‌ها اجازه آشکار شدن می‌دهد و از آن‌رو نظریه‌سازی و نگارش یادداشت تحلیلی در مورد آن‌ها را ممکن می‌سازد. در ادامه با استفاده از داده‌های پژوهش حاضر در خصوص شهر اسلامی یک نمونه نقشه عرصه‌ها/جهان‌های اجتماعی ارائه شده است (شکل شماره ۳).

تمرکز تحلیلی بر التزام عمل^{۱۶} به عنوان عامل تنظیم‌کننده مرز بین یا میان جهان‌های اجتماعی (به جای ناحیه جغرافیایی یا کارکرد) باعث می‌شود تا بتوان به صورت تجربی مشخص کرد که چه کسی - کدام موجودیت‌های جمعی یا جهان‌های اجتماعی - در عرصه حضور دارند. از این‌رو تمرکز تحلیل می‌تواند بر اعمال به مثابه فرایندها باشد، یعنی همان «فرایند اجتماعی پایه‌ای» نظریه زمینه‌ای،

چنان‌که در نسخه منظم نقشه موقعیت مشخص است، هر یک از مؤلفه‌ها می‌توانند در بیش از یک مقوله و دسته جای گیرند. ارائه توصیفات سازمان‌یافته و پر جزئیات از مؤلفه‌ها و گفت‌وگوهای موجود به همراه این نقشه‌ها برای آشکار نمودن شرایط پیچیده موجود در موقعیت (در نمونه حاضر شهر اسلامی) حائز اهمیت است.

برای مثال مؤلفه‌های فضایی و نقشی که در ظهور و بروز آن‌چه شهر اسلامی خوانده شده ایفا می‌نمایند نقش مهمی در صورت‌بندی این انگاره در ادبیات فارسی زبان ایفا می‌نماید. مثال زیر از مقاله‌ای با عنوان شخصیت‌شناسی شهر اسلامی برگزیده شده است: «مسجد به طور قطع بنای مذهبی اسلامی است که والاترین کارکرد آن عبادت جمعی است. مسجد به عنوان کانونی عبادی، اجتماعی و فرهنگی، هویت دیرپایی دارد که هرگز نمی‌تواند از ساختار اجتماعی و شهری آن جدا شود. سلسله‌مراتب ساخت‌بندی شهرهای اسلامی و سلسله‌مراتب فرم و نوع مساجد از پیوستگی کالبدی جدایی‌ناپذیری برخوردارند. در طراحی و برنامه‌ریزی شهری برای مردم مسلمان نمی‌توان کانونیت و محوریت مسجد را در سلسله‌مراتب و ارتباط هندسی و نظم کالبدی شهر از سرزمین‌های اسلامی، از بعد معماری تک بنایی به طور گسترده‌ای مورد بحث قرار داد؛ چرا که از زاویه برنامه‌ریزی شهری نیز به عنوان عنصری در فضای کالبدی، اجتماعی، اقتصادی مدنظر بوده است» (خدایی و تقوایی، ۱۳۹۰: ۱۰۸).

<p>مؤلفه ها/عاملین منفرد انسانی برادران مارکس؛ ماکس وبر؛ ابن خلدون؛ نفی زاده</p>	<p>مؤلفه ها/عاملین غیر انسانی کوفه؛ شهر غربی روم؛ مدینه النبی</p>
<p>مؤلفه ها/ عاملین جمعی انسانی اصناف</p>	<p>عاملین/باز یگران دخیل/خاموش جامعه مسلمانان</p>
<p>ساخت های گفتمانی موجود در عاملین منفرد و/یا جمعی انسانی جدایی جنسیتی؛ مناسک اسلامی؛ کلام پیامبر و ائمه؛ شریعت/فقه؛ عرفان؛ فرهنگ اسلامی؛ شرقشناسی؛ عرف</p>	<p>مؤلفه های اجتماعی فرهنگی نمادین هنر اسلامی؛ عرفان؛ فرهنگ اسلامی؛ زیبایی؛ تمدن اسلامی؛ شریعت/فقه؛ مدینه فاضله/آرامشهر؛ کثرت به وحدت</p>
<p>مؤلفه های اقتصادی/سیاسی حکومت اسلامی؛ وقف؛ کاربری های تجاری اطراف مسجد؛ طرح های مصوب شهری</p>	<p>مؤلفه های فضایی مسجد؛ مدرسه؛ بازار؛ محلات در تضاد؛ خیابان های پیچ در پیچ؛ کاربری های تجاری اطراف مسجد؛ خانه های درون نگر</p>
<p>مؤلفه های زمانی مدینه النبی؛ کوفه؛ شرق شناسی</p>	<p>گفتمان های مرتبط (تاریخی، روایی و/یا بصری) شرق شناسی؛ مدینه فاضله/آرامشهر؛ عدالت؛ عرف</p>
<p>موضوعات/بجث های عمده فقدان برنامه ریزی متمرکز؛ فقدان سازمان اجتماعی</p>	<p>موضوعات/بجث های عمده عناصر «شکل» شهر اسلامی؛ عدم وجود «شهر» اسلامی</p>

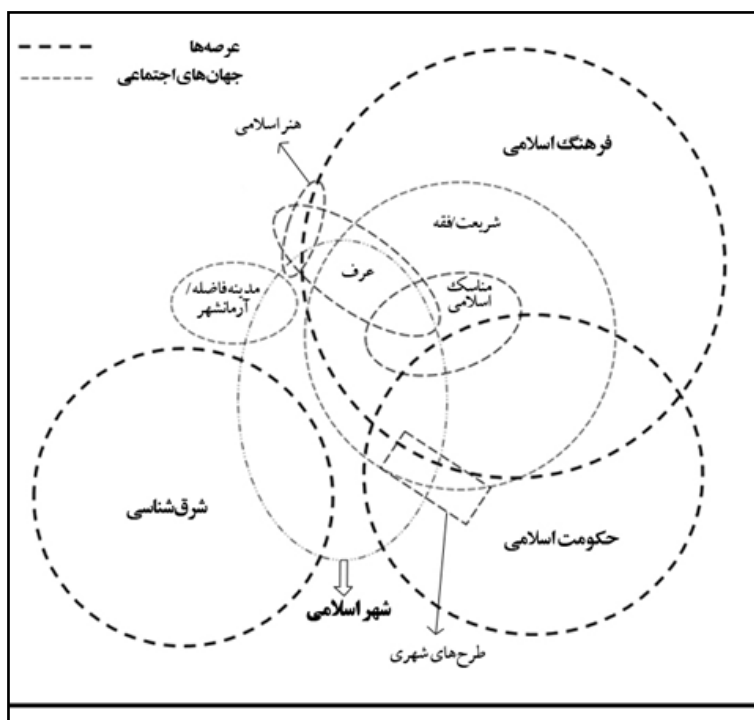
شکل شماره ۲: نسخه منظم نقشه موقعیت: مؤلفه‌ها، عاملین و گفت‌وگوهای دخیل در شهر اسلامی

با هم هم‌پوشانی دارند، و اشاره به این امر دارند که برخی افراد و مجموعه‌ها در بیش از یکی از آن‌ها مشارکت دارند. به‌طور مشابه، برخی جهان‌های اجتماعی در بیش از یک عرصه مشارکت می‌کنند. از سوی دیگر گفتمان‌های موجود درباره شهر و شهرسازی اسلامی به‌خودی‌خود، به‌صورت صریح و آشکار، در نقشه عرصه‌ها/جهان‌های اجتماعی ارائه نشده‌اند. این مسأله به‌خاطر عدم حضور آن‌ها در جهان‌ها و عرصه‌ها نیست بلکه بدان علت است که جهان‌های اجتماعی، جهان‌های گفتمان^{۱۷} در عرصه‌ها هستند که به‌واسطه گفتمان‌ها ساخته شده و حمایت می‌شوند. در عوض تمرکز نقشه‌های عرصه‌ها/جهان‌های اجتماعی بر عمل اجتماعی جمعی است.

نقشه‌های وضعیت

نقشه‌های وضعیت، راهبردهایی برای ساده‌سازی و تسهیل ترسیم وضعیت‌های اتخاذ شده و اتخاذ نشده در موقعیت هستند. این نقشه‌ها نباید به‌عنوان «نمایاندن و نمایش دادن» افراد و گروه‌ها تلقی شوند (Clarke, 2005). در ترسیم نقشه‌های وضعیت باید تا حد امکان تنوع و اختلافات جزئی به‌تصویر کشیده شده و تمایزات درون افراد و درون گروه‌ها با همان اشتیاق و دقت تمایزات بین افراد و بین گروه‌ها مورد توجه قرار گیرند. برای انجام این کار باید بر اساس داده‌ها مشخص کرد که کدام موضوعات پایه‌ای (اغلب و نه همیشه متضاد) در موقعیت وجود دارند که درباره آن‌ها وضعیت‌های مختلفی متصور است، و آن‌ها را مبتنی بر ابعادشان به صورتی فهرست نمود. درحالی‌که این کار ساده به نظر می‌رسد، اما در عمل به سرعت پیچیده می‌شود. علاوه بر آن، امکان مواجهه با مواردی وجود دارد که وضعیتی واحد به نظر می‌رسد اما مشخص نیست که از چه موضوع (هایی) سخن می‌گویند. در هر پژوهش، نقشه‌های وضعیت گوناگونی می‌توان ترسیم کرد. به‌عنوان نمونه و بر اساس داده‌های پژوهش حاضر، دو نمونه نقشه وضعیت ارائه شده است (شکل‌های ۴ و ۵). این نقشه‌ها طیفی از دیدگاه‌های مختلف، در خصوص موضوعات گوناگون در مطالعه ماهیت و ویژگی‌های شهر اسلامی را آشکار می‌نمایند. در این نقشه‌ها، مستطیل‌ها ترسیم شده با خطوط ممتد نشان‌دهنده وضعیت‌های اتخاذ شده در داده‌ها است و مستطیل‌های ترسیم شده با خطوط نقطه‌چین، وضعیت‌های اتخاذ نشده را نشان می‌دهند.

در شکل شماره ۴، محور افقی رویکردهای معرفت‌شناسانه به شهر اسلامی را ارائه می‌دهد که عبارتند از قیاس (در این رویکرد، «شهر اسلامی» در مقایسه و قیاس با مفهومی دیگر شناخته می‌شود)؛ توصیف (در این رویکرد، ارائه توصیفی از شهرهایی



شکل شماره ۳: نقشه عرصه‌ها/جهان‌های اجتماعی: ارتباطات میان عرصه‌ها و جهان‌های اجتماعی دخیل در ساخت انگاره شهر اسلامی

و یا بر واحدهای عمل باشند؛ یعنی عرصه‌ها) و جهان‌های اجتماعی جمعی حاضر در موقعیت. انواع و گونه‌های خاص عمل هر جهان اجتماعی و یا هر عرصه- یعنی ماهیت فرایندهای اجتماعی پایه‌ای- سؤالانی تجربی هستند (Clarke, 2015).

در موضوع مورد بحث مقاله حاضر یکی از مهم‌ترین عرصه‌هایی که چیرستی و ویژگی‌های شهر اسلامی را شکل داده است فرهنگ اسلامی است و استدلال شده است که عمل متعهدانه در محیط آن، به خلق شهر اسلامی منجر می‌شود و ویژگی‌های آن را تعیین می‌کند. این امر، به‌عنوان نمونه، در عبارت زیر از یکی از مقاله‌های بررسی شده مشخص است: «شهر رویدادی برگرفته و برآمده از فرهنگ و نظام ارزش‌های مورد باور و عمل جامعه است که خود، در ادامه تولیدکننده فرهنگ و ارزش‌هاست. پس شهر هم معلول و هم علت فرهنگ است. مسلمانان باید هوشیارانه و بر اساس آموزه‌های اسلام ضمن تعریف چشم‌اندازهای جامعه، نقاط تعادل خود را بر پایه بوم، فرهنگ و خواسته‌های مسلمانان بنیاد نهاده و شهرهای خود را در اطراف آن نقاط بنا کنند و مسیر مناسبی برای دست یافتن به آن چشم‌اندازها طی کنند» (براتی، ۱۳۹۲: ۲۲).

چنان‌که در شکل شماره ۳ مشخص است، مرز میان عرصه‌ها و جهان‌های اجتماعی بوسیله خطوط نقطه‌چین ترسیم شده است. این خطوط به مرزهای متخلخل اشاره دارند. کلارک (۲۰۱۵) استدلال می‌کند که این تخلخل چیزی است که به تحلیل عرصه‌ها/جهان‌های اجتماعی انعطاف‌پذیری و ظرفیت ارتجاعی اعطا می‌کند و بدین ترتیب پذیرش تغییر و ملحوظ داشتن چشم‌اندازهای ناممکن را میسر می‌نماید. در اینجا جهان‌های اجتماعی متعددی وجود دارند که برخی

	مواقف	توصیف	ترجمه/تبدیل
دیدگاه نسبت به شهر اسلامی	شهر اسلامی در مقایسه با مفهومی دیگر (از جمله شهر ایده‌آل ویری یا شهر رومی) تعریف و بدین وسیله با انگاره‌ای به عنوان شهر اسلامی خلق می‌شود	انگاره شهر اسلامی بوسیله توصیفی از شهرهای دارای اکثریت مسلمان یا حکومت اسلامی ساخته می‌شود	تفسیری از آراء شرق‌شناسان در خصوص شهر در مشرق زمین به عنوان شهر اسلامی معرفی می‌شود
مخالف	انگاره شهر اسلامی با مفهومی دیگر (از جمله شهر ایده‌آل ویری یا شهر رومی) مقایسه و بدین وسیله با این انگاره مخالف می‌شود	انگاره شهر اسلامی را ساخته شده بوسیله توصیفی از شهرهای دارای اکثریت مسلمان یا حکومت اسلامی دانسته شده و به عنوان موجودیتی مستقل ذیل این عنوان پذیرفته نمی‌شود	تفسیر آراء شرق‌شناسان در خصوص شهر در مشرق زمین به عنوان کلیشه رد شده و موجودیتی به عنوان شهر اسلامی انکار می‌شود
	قیاس	توصیف	ترجمه/تبدیل

رویکردهای معرفت‌شناسانه به شهر اسلامی

شکل شماره ۴: نقشه وضعیت: دیدگاه‌های مختلف به شهر اسلامی بر اساس رویکردهای معرفت‌شناسانه مختلف

	برون‌نگر	شناختی	هنجاری
شان معرفی نسبت به شکل شهر	شکل شهر به عنوان نظامی نسبتاً مستقل پنداشته شده و در پی تعریف و توصیف مولفه‌های آن است	شکل شهر به عنوان نظامی نسبتاً مستقل پنداشته شده و در پی تعریف و توصیف مولفه‌های آن در عین حال تعیین کیفیات آن در شهر اسلامی است	شکل شهر به عنوان نظامی نسبتاً مستقل پنداشته شده و در پی تعیین کیفیات و هنجارهای آن در شهر اسلامی است
درون‌نگر	در پی تعریف و توصیف مولفه‌های شکل شهر اسلامی بدون اتخاذ موضعی خاص نسبت به شان معرفی شکل شهر (و یا اتخاذ موضعی ترکیبی) است	شکل شهر به عنوان متغیری وابسته به عوامل خارجی دانسته شده و در پی تعریف و توصیف مولفه‌های آن در عین حال تعیین کیفیات آن در شهر اسلامی است	شکل شهر به عنوان متغیری وابسته به عوامل خارجی دانسته شده و در پی تعیین کیفیاتی و هنجارهای آن در شهر اسلامی است
	شناختی	شناختی	هنجاری

اهداف اکتشافی در مطالعه شکل شهر اسلامی

شکل شماره ۵: نقشه وضعیت: دیدگاه‌های مختلف نسبت به شکل شهر اسلامی

و در سوی دیگر مطالعات هنجاری (مطالعاتی که هدفشان تعیین کیفیاتی است که بر پایه آن‌ها شهر باید برنامه‌ریزی و یا در آینده ساخته شود) قرار دارند. محور عمودی نیز شئون مختلف معرفتی نسبت به شکل شهر را ارائه می‌دهد. در اینجا نیز در دو سوی طیف دو مفهوم متضاد قرار گرفته‌اند: درون‌نگر (که شکل شهر را به عنوان نظامی نسبتاً مستقل می‌پندارد) و برون‌نگر (که شکل شهر را به عنوان متغیر وابسته یا محصول فرعی عوامل خارجی تلقی می‌نماید).^(۸)

نقشه وضعیت در پژوهش‌های شهرسازی اسلامی می‌توانند وضعیت‌های ناهمگن و متضاد و نیز وضعیت‌های غایب و ناپیدا را مشخص نمایند. به طور کلی هدف این نقشه‌ها گشودن گفتمان‌ها با تمرکززدایی و منفک کردن آن‌ها از سایت‌هایی است که در آن تولید شده‌اند (Clarke, 2006). این جداسازی وضعیت‌ها از افراد و نهادها (فردی و جمعی) فرصت و امکانی را برای ارائه کامل‌تر پیچیدگی‌ها و تفاوت‌ها مهیا می‌سازد.

دارای اکثریت مسلمان یا قرار گرفته در حکومت‌های اسلامی و یا شهرهایی که در مناطقی خاص واقع شده‌اند، به شناخت ابعاد انگاره «شهر اسلامی» می‌انجامد و ترجمه/تبدیل (این نگاه بیش‌ترین تأثیر را از دیدگاه‌های شرق‌شناسان نخستین پذیرفته است. این پژوهشگران تفسیری اروپایی از شهرسازی اسلامی به عنوان جزئی لاینفک از مکتب شرق‌شناسی ارائه نموده‌اند). محور عمودی نیز دیدگاه‌های موافق و مخالف به انگاره شهر اسلامی را نشان می‌دهد. محورهای عمودی و افقی همراه با یکدیگر به سازماندهی مؤلفه‌های نقشه وضعیت کمک می‌کنند که وضعیت‌های مختلف در تقاطع این دو محور را نمایان می‌سازد.

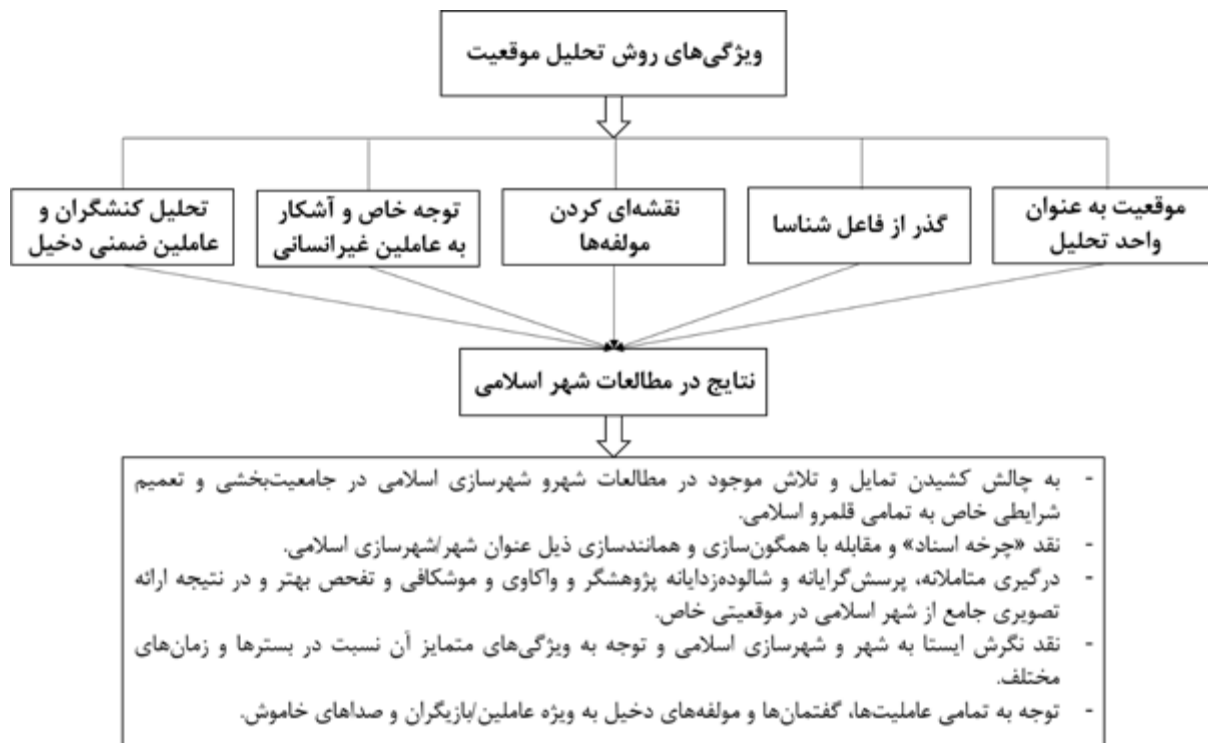
شکل شماره ۵ نیز وضعیت‌های موجود در خصوص مطالعه شکل شهر در پژوهش‌های متمرکز بر شهر اسلامی را ارائه می‌نماید. محور افقی در این نقشه اهداف اکتشافی در مطالعه شکل شهر است که در یک سوی این طیف مطالعات شناختی (مطالعاتی با هدف فراهم آوردن تعریف یا توسعه چارچوبی تبیینی یا هر دو)

نتیجه‌گیری

نقد‌های وارد بر پژوهش‌های عرصه شهرسازی اسلامی و نظام‌های علمی وابسته هم‌چون نگرش ایستا به شهر و شهرسازی اسلامی، جامعیت بیش از حد انگاره شهر اسلامی، تکرار پی در پی برخی گزاره‌های مشخص بدون توجه به بستر و زمینه پژوهش‌های خاص در این عرصه و ویژگی‌های متفاوت و گوناگون این بسترها، تلاش در همگون‌سازی و همانندسازی ذیل عنوان شهرسازی اسلامی، دریافتی محدود از عاملان دخیل در این عرصه و کم‌توجهی به عاملان/بازیگران و صداهاى خاموش، کم‌توجهی به تفاوت‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی قلمرو گسترده اسلامی و به تبع آن گریز از تحلیل این تمایزات ذیل مفهوم گسترده‌تر اسلام، فقدان روش‌شناسی‌های منسجم و متناسب با ماهیت شهرسازی اسلامی و توجه صرف به بحث‌های هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی، فقدان پایه‌های تجربی شهرسازی اسلامی در شرایط خاص و به ویژه معاصر، و اکتفا به پژوهش‌های نظری و بنیادی، ضرورت بازپرداخت به ملاحظات نظری را در این عرصه محسوس می‌نماید. در این باره، پژوهش حاضر کوشیده تا با بهره‌گیری از تحلیل موقعیت و ضمن نمونه‌ای از کاربرد این روش در تحلیل ویژگی‌ها، ماهیت و مؤلفه‌های شهر اسلامی در متون فارسی، به ارائه روشی برای استفاده در شهرسازی اسلامی بپردازد و امکانات و توانمندی‌های آن را در این عرصه مورد مذاقه قرار دهد. تحلیل موقعیت با انتخاب موقعیت به عنوان واحد تحلیل، تمایل و تلاش موجود در مطالعات شهر و شهرسازی اسلامی را در جامعیت‌بخشی و تعمیم شرایطی خاص به تمام قلمرو اسلامی را به

چالش می‌کشد. تعمیمی که انگاره شهر اسلامی را متأثر نموده و مورد نقد پژوهشگران مختلف قرار داده است. تحلیل موقعیت این امکان را به پژوهشگر می‌دهد تا تحقیق را برخلاف آنچه حالت عادی یا به‌هنگار^{۱۹} خوانده می‌شود هدایت کند، این امر به طور ویژه در مورد آنچه «چرخه اسناد» نامیده شده، صادق است. تحلیل موقعیت تلاش می‌کند با نقشه‌ای کردن مؤلفه‌ها، تمامی عاملان و گفتمان‌ها را مورد بررسی قرار دهد. این فرایند نقشه‌ای کردن که در نوشتار حاضر برای یک نمونه از داده‌ها در این عرصه انجام شد با مصورسازی و تجسم بخشیدن اندیشه محقق کمک می‌کند تا با درگیری متاملانه، پرسش‌گرانه و شالوده‌زدایانه پژوهشگر، واکاوی و موشکافی و تفحص بهتری در جزئیات صورت پذیرد و تصویری جامع از شهر اسلامی در موقعیتی خاص به دست داده شود؛ افزون بر این انعطاف موجود در تحلیل موقعیت به پژوهشگران عرصه شهرسازی اسلامی امکان می‌دهد تا مطابق با نیازهای خاص پژوهشی این عرصه به تعدیل و مناسب‌سازی آن اقدام نمایند و در صورت نیاز آن را با سایر روش‌های کیفی ترکیب کنند. بر این اساس با استفاده از تحلیل موقعیت در شهرسازی اسلامی می‌توان رهیافتی جدید برای خوانش شهر در فرهنگ اسلامی و به طور کلی رابطه شهر و ارزش‌های دینی با تأکید بر تفاوت‌ها ایجاد کرد.

مستخرج از آنچه بیان شد می‌توان در پاسخ به پرسش دوم، ویژگی‌ها و مؤلفه‌های شهر اسلامی در اسناد، متون، قواعد و گفتمان‌های مرتبط را به صورت زیر صورت‌بندی کرد: شهر اسلامی انگاره‌ای چندبعدی و پیچیده است که عاملان، ساخت‌های گفتمانی، مؤلفه‌های فضایی، زمانی، نمادین و اجتماعی مختلفی



شکل شماره ۶: ویژگی‌های روش تحلیل موقعیت برای پژوهش در خصوص شهر اسلامی

فرهنگ مادی و معنوی شهرهای اسلامی؛ مورد: بافت قدیم شهر خواف»،

جغرافیا و توسعه، سال هفتم، شماره ۱۵.

۵. پوراحمد، احمد و موسوی، سیروس (۱۳۸۹)، «ماهیت اجتماعی شهر

اسلامی»، **مطالعات شهر ایرانی اسلامی**، سال اول، شماره ۲.

۶. خدایی، زهرای و تقوایی، علی اکبر (۱۳۹۰)، «شخصیت شناسی شهر

اسلامی؛ با تأکید بر ابعاد کالبدی شهر اسلامی»، **مطالعات شهر**

ایرانی اسلامی، سال دوم، شماره ۵.

۷. رضوی پور، مریم سادات؛ ذاکری، محمد مهدی و اجباری، احسان

(۱۳۹۱)، «هویت ایرانی اسلامی شهر تهران در گذر زمان»، **مطالعات**

ملی، سال سوم، شماره ۱۳.

۸. سلطانی فرد، هادی؛ حاتمی نژاد، حسین؛ عباس زادگان، مصطفی و

پوراحمد، احمد (۱۳۹۲)، «تحلیل دگرگونی ساختار کالبدی فضایی شهر

ایرانی-اسلامی (مطالعه موردی: شهر سبزوار)»، **مطالعات شهر ایرانی**

اسلامی، سال چهارم، شماره ۱۴.

۹. شمعی، علی (۱۳۸۹)، «نقش الگوهای شهرسازی سنتی در شهرسازی مدرن

شهر یزد»، **مطالعات شهر ایرانی اسلامی**، سال اول، شماره ۱.

۱۰. غلامی، سعید؛ مشکینی، ابوالفضل و دوبران، اسماعیل (۱۳۹۴)،

«طراحی فضایی محلات شهری با تأکید بر اصول دین اسلام در شهر

ایرانی-اسلامی (مطالعه موردی: محله شهدای شهر زنجان)»، **هویت**

شهر، سال نهم، شماره ۲۲.

۱۱. فلاحت، سمیه (۱۳۹۰)، «برساخت مفهوم شهر اسلامی»، **مطالعات**

شهر ایرانی اسلامی، سال اول، شماره ۳.

۱۲. مرصوص، نفیسه (۱۳۸۲)، «قم شهر اسلامی»، **پیک نور**، سال اول، شماره ۱.

۱۳. مسعود، محمد و بابائی سالانقوج، احسان (۱۳۹۴)، «تحلیلی بر مطالعه

شکل شهر اسلام»، **مطالعات شهر ایرانی اسلامی**، سال پنجم،

شماره ۱۹.

۱۴. منصوری، علی (۱۳۸۹)، «حجاب و پوشیدگی در شهرسازی ایرانی-

اسلامی؛ نمونه پژوهش میدانی: بافت قدیم شهر شیراز»، **مسکن و**

محیط روستا، سال بیست و نهم، شماره ۱۳۰.

۱۵. موحد، علی؛ شمعی، علی و زنگانه، ابوالفضل (۱۳۹۱)، «بازشناسی

هویت کالبدی در شهرهای اسلامی (مطالعه موردی: شهر ری)»،

برنامه ریزی منطقه‌ای، سال یکم، شماره ۲.

۱۶. نقی زاده، محمد (۱۳۸۹)، «تأملی در چیستی شهر اسلامی»، **مطالعات**

شهر ایرانی اسلامی، سال یکم، شماره ۱.

17. Charmaz, K. (2000), "Grounded theory: Objectivist and constructivist methods", In N. K. Denzin & Y. S. Lincoln (Eds.), **Handbook of qualitative research**, 2nd ed. (pp. 509-536), Thousand Oaks, CA: Sage.

18. Charmaz, K. (2006), **Constructing grounded theory**, London, Sage.

19. Clarke, Adele E (2007), "Grounded theory: Critiques, debates, and situational analysis", **The Sage handbook of social science methodology**, 423-442.

20. Clark, Adele E (2006), Feminisms, grounded theory, and situational analysis.

21. Clarke, Adele (2005), **Situational analysis: Grounded theory after the postmodern turn**, Sage.

22. Clarke, Adele E (2003), "Situational analyses: Grounded theory mapping after the postmodern turn", **Symbolic interaction**, 26(4): 553-576.

23. Clarke, Adele E. and Friese, Carrie (2007), "Situational analysis: Going beyond traditional grounded theory", **Handbook of grounded theory**, 694-743.

در ساخت و تعیین ویژگی‌های آن نقش دارند. به بیان دیگر شهر

اسلامی متشکل از مؤلفه‌های انسانی و غیرانسانی متعدد و گوناگون

است؛ از گفتمان‌های مختلف تشکیل شده که برخی بیش تر

مورد ارجاع و «اسناد» بوده‌اند و برخی حاشیه‌ای؛ از گستردگی

زمانی و فضایی قابل توجهی برخوردار است؛ حاوی دیدگاه‌های

متعدد، گوناگون و گاه متضاد است؛ و با نظام‌های علمی متعددی

در ارتباط است. بر این اساس هر گونه توصیفی از شهر اسلامی

بدون توجه به تنوع جغرافیایی، آب و هوایی، فرهنگ‌ها، مذاهب

و... که در پی نفی پیچیدگی‌ها و ناهمگنی‌ها در این عرصه باشد،

به پیدایش کلیشه‌ای از این انگاره منجر می‌شود. علاوه بر آن،

وضعیت‌ها و مواضع مختلفی نسبت به این انگاره اتخاذ شده است

که باعث شده نتوان تعریفی منسجم و یکپارچه از آن ارائه کرد. بر

این اساس لازم است هر گونه کاربست این مفهوم در پژوهش‌های

مربوطه با توجه به این پیچیدگی‌ها و عدم قطعیت‌ها همراه باشد

و رویکردهای مختلف، وضعیت‌های گوناگون، شرایط متنوع، و

نگرش‌های متفاوت را مورد توجه قرار دهد.

پی‌نوشت‌ها

۱. انضمامی بودن به معنای تولید و مصرف‌شده به‌وسیله گروه‌های

خاصی از مردم و از نظر تاریخی و جغرافیایی قابل مکان‌یابی

2. Situational analysis; grounded theory after the post-modern turn

3. Situation-centered

4. Text

5. Context

6. Context/Situatedness

7. Multisite

8. Situational Maps

9. Social Worlds/Arenas Maps

10. Positional Maps

11. Messy

12. Meso

13. Ordered situational analysis

14. Meso-level

15. Commitment of action

16. Universes of discourses

۱۷. برای بحث تفصیلی در خصوص شکل شهر اسلامی نگاه کنید به

مسعود و بابائی، ۱۳۹۴

18. Normality

فهرست منابع و مراجع

۱. اشتراوس، انسلم و کوربین، جولیت (۱۳۹۲)، **مبانی پژوهش کیفی؛**

فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای، ترجمه ابراهیم افشار،

نشر نی، تهران.

۲. بابائی سالانقوج، احسان؛ مسعود، محمد و محمدی، محمود (۱۳۹۳)،

«تبیین یک چارچوب مفهومی برای شهر اسلامی»، **روش‌شناسی**

علوم انسانی، شماره ۲۰.

۳. براتی، ناصر (۱۳۹۲)، «اما و شهر اسلامی»، **منظر**، شماره ۲۳.

۴. بریمانی، فرامرز و شعاع برآبادی، علی (۱۳۸۸)، «بافت قدیم شهرها جلوه

24. Clarke, A. E.; Friese, C., & Washburn, R. (Eds.). (2015), **Situational analysis in practice: Mapping research with grounded theory**. (Vol. 1), Left Coast Press.
25. Clarke, Adele E. & Keller, Reiner (2014), Engaging Complexities: Working Against Simplification as an Agenda for Qualitative Research Today, Adele Clarke in Conversation With Reiner Keller [137 paragraphs], **Forum Qualitative Sozialforschung / Forum: Qualitative Social Research**, 15(2), Art. 1.
26. Glaser, B. G. (1992), **Emergence versus forcing: Basics of grounded theory analysis**, Mill Valley, CA: Sociology Press.
27. Glaser, Barney G. (1998), **Doing grounded theory: Issues and discussions**, Sociology Press.
28. Glaser, Barney G. (2001). The grounded theory perspective: Conceptualization contrasted with description: Sociology Press.
29. Glaser, Barney G. (2007b). Doing formal grounded theory: A proposal: Sociology Press.
30. Glaser, Barney G and Strauss, Anselm (1967), **The Discovery of Grounded Theory**, Shicago: Adine Publishing Company.
31. Goldkuhl, Göran, & Cronholm, Stefan. (2010). Adding theoretical grounding to grounded theory: Toward multi-grounded theory. **International journal of qualitative methods**, 9(2), 187-205.
32. Hall, Stuart (1997), **Representation: Cultural representations and signifying practices**, (Vol. 2), Sage.
33. Mills, Jane ; Bonner, Ann, & Francis, Karen (2006), "The development of constructivist grounded theory", **International journal of qualitative methods**, 5(1), 25-35.
34. Pérez, Michelle Salazar and Cannella, Gaile S (2013), "Situational analysis as an avenue for critical qualitative research: Mapping post-Katrina New Orleans", **Qualitative Inquiry**, 19(7): 505-517.
35. Schatzman, L. (1991), "Dimensional analysis: Notes on an alternative approach to the grounding of theory in qualitative research". **Social organization and social process: Essays in honor of Anselm Strauss**, 303-314.
36. Strauss, Anselm Leonard (1993), **Continual permutations of action**, AldineTransaction.
37. Strauss, A. L. & Corbin, J. (1990), **The basics of qualitative analysis: Grounded theory procedures and techniques**, Thousand Oaks, CA: Sage.
38. Strong, Tom; Gaete, Joaquin; Samerband, Ines and French, Jared Eeson, Jen (2012), "Counsellors Respond to the DSM-IV-TR/Les conseillers répondent au DSM-IV-TR", **Canadian Journal of Counselling and Psychotherapy**, 46(2): 85-106.
39. Thornberg, Robert (2012), "Informed grounded theory", **Scandinavian Journal of Educational Research**, 56(3), 243-259.
40. Washburn, Rachel (2014), "Measuring personal chemical exposures through biomonitoring: The experiences of research participants", **Qualitative Health Research**, 24(3): 329-344.